پندار ادیان و فرق

۲۱

sarabehaghighat.ir

ماهنامه اینترنتی ادیان و فرق / آبان ۱۴۰۵ / شماره بیستم و یکم / قم



فهرست

یادداشت سردبیر ۱
وقتی پیشگویی شسکت میخورد ۱
مقدمه ۳
واژه شناسی و معرفی ۳
زندگی نامه سید محمد حسینی ٤
شکل گیری و تطورات ری استارت ٥
ایدئولوژی گروه ری استارت ٦
تاسیونالیسم پارسی ٦
ضدیت با جمهوری اسلامی ٦
الهام از جنبش های راست گرای غربی ٦
چالش های اجتماعی و تحریک عمومی ۷
چالش ایرانی هستی یا پارسی؟ ۷
چالش های اصلی ری استارت ۷
چالش سنگ ۸
چالش آتش ۸
چالش رنگ ۸
چالش فحش ۸
چالشآمپاس ۸
چالش مولوی ۸
نقد کلی جریان ری استارت ۹
کنش گروه ری استارت نسبت به جنگ تحمیلی ۹
۱)اعلام آماده باش گروهک ری استارت برای خرابکاری در شرایط جنگی کشور ۹
۲)اعلام حمایت مطلق از رژیم صهیونیستی ۹
عدم تحقق وعده تغییر نظام ایران ۹
پناه بردن به پیشگویی های جعلی ۱۰
شکاف های عمیق در گفتار و رفتار حسینی ۱۰
تناقض بنیادین در موضوع فحاشی ۱۱
تناقض در شوخی های رفتاری دم دستی؛ از محکومیت تا باز تولید ۱۱
تناقض در ادعای نگرانی اخلاقی ۱۱
تربیت مریدان و سربازانی بی فکر ۱۲
تناقض خطرناک در آزادی اسلحه و کنش های خشونت آمیز ۱۲
نتیجه گیری ۱۳



حجت السلام حسین مردان پور

وقتی پیشگویی شکست می خورد

● یادداشت سردبیر

در پژوهش درباره فرقه‌ها، لحظه‌ای هست که از همه لحظه‌ها گویاتر است: روزی که پیشگویی رهبر محقق نمی‌شود. لئون فستینگر، روان‌شناس اجتماعی، در کتاب مشهور «وقتی پیشگویی شکست می خورد» (When Prophecy Fails) نشان داد که ناکامی یک وعده، همیشه به فروپاشی گروه نمی‌انجامد؛ گاه رهبر تاریخ را جابه جا می‌کند، گاه تفسیری تازه می‌سازد و گاه هواداران با شوری بیشتر به او می‌چسبند تا هزینه‌ای را که پرداخته‌اند بی‌معنا نبینند.

پرونده این شماره به جریانی می‌پردازد که سال‌ها با همین منطق زیسته است: «ری استارت». سید محمد حسینی، مجری پیشین تلویزیون که امروز خود را «لیدر» و حتی «کوروش ثانی» می‌خواند، شش سال وعده داد که در ۲۵ دسامبر ۲۰۲۵ نظام سیاسی ایران به دست او تغییر خواهد کرد و اگر چنین نشود، «دکمه خاموش» ری استارت را خواهد زد. آن روز آمد و گذشت؛ نه وعده محقق شد و نه دکمه‌ای زده شد. جالب آنکه در همان روز، مدعی دیگری در غنا که از توفانی جهانی خبر داده و هوادارانش را به ساختن کشتی واداشته بود، به همین بن‌بست رسید و پیشگویی او را «به تعویق افتاده» خواند. دو مدعی در دو سوی جهان، با دو زبان متفاوت و یک الگوی مشترک.

آنچه ری‌استارت را درخور بررسی می‌کند، تنها ادعاهای سیاسی‌اش نیست؛ آمیزه‌ای است که از عناصر به‌ظاهر ناسازگار ساخته است: شعر مولوی در کنار دعوت به سنگ‌پرانی، شعار «بنی‌آدم اعضای یکدیگرند» در کنار «چالش آتش»، نکوهش فحاشی در کنار «روز فحش»، و ستایش عرفان در کنار اعتراف به زیستن در قمارخانه. خواننده در این شماره خواهد دید که این تناقض‌ها لغزش‌های اتفاقی نیستند، بلکه ابزار کار رهبر فرقه‌اند؛ چراکه پیرو سردرگم، بیش از پیرو آگاه به رهبر نیاز دارد.

مخاطب اصلی این جریان، به گواه محتوای آن، جوانانی است که از دشواری های اقتصادی و اجتماعی خسته‌اند و در جست وجوی معنا و قهرمان‌اند. این واقعیت را نباید انکار کرد؛ سرخوردگی، خاک حاصلخیز فرقه‌هاست. از همین رو پاسخ به چنین جریان‌هایی نمی‌تواند تنها برچسب و دشنام باشد. فرقه‌ها از خشم تغذیه می‌کنند و با ناسزا ضعیف نمی‌شوند؛ آنچه آن‌ها را بی‌اثر می‌کند، روشنگری مستند، شناخت ساز و کارهای جذب و کنترل و گفت‌وگوی صادقانه با همان نسلی است که هدف قرار گرفته‌است.

در این شماره کوشیده‌ایم ری‌استارت را از ریشه‌های صوفیانه خانوادگی رهبرش تا پیوندهایش با محافل سیاسی خارج از کشور، و از شعارهای عرفانی آغازین تا چالش‌های خشونت‌آمیز و موضع‌گیری هایش در جنگ دوازده‌روزه دنبال کنیم و هر جا ممکن بوده، به گفته‌ها و منابع خود این جریان ارجاع دهیم. امید ما این است که این پرونده برای خانواده‌ها، معلمان، فعالان فرهنگی و خود جوانان، نقشه‌ای باشد برای بازشناختن الگویی که به یک نام و یک چهره محدود نمی‌ماند. ری‌استارت شاید روزی از صحنه برود، اما سازوکارهایی که به کار گرفت، با نام‌های دیگر بازخواهند گشت؛ و شناختن این سازوکارها، مؤثرترین واکسن است.

نام نشریه : ماهنامه پندار / **موضوع :** بررسی و نقد ادیان، فرق و جریانات انحرافی / **صاحب امتیاز :** گروه فرهنگی تبلیغی سراب حقیقت / **مدیر مسئول:** محمد جواد نصیری / **سردبیر:** حجت الاسلام مردان پور / **صفحه آرایی :** محمد محمدی / **هیئت تحریریه :** اعضای هیئت تحریریه اندیشکده پندار؛ حجج اسلام حسین مردان‌پور، علیرضا روزبهانی، مهدی بیاتی، سعید صدری، حسین عرب‌وآقایان امین رضایی‌نژاد، محمد جواد نصیری، محمد سجادی زاده

راه های ارتباطی پیام رسان ایتا : @raherahaei

آدرس سایت، تلویزیون و شبکه های اجتماعی :

sarabehaghighat.ir
aparat.com/sarabehaghighat
@sarabehaghighat





اجمعی از کارشناسان مرکز فام ا

مقدمه

پس از شکل گیری تصوف در جامعه اسلامی، به تدریج و در طول چند قرن، جریان ها و طریقت های گوناگون صوفیانه پدید آمدند. این جریان ها با ایجاد نظام های خاص سلوکی، تشکیلاتی و برخورداری از آداب و مقررات ویژه، از یکدیگر متمایز شدند و در دوره های بعد، بر شمار آنها افزوده شد؛ به گونه ای که امروزه شناسایی و بررسی تمامی این طریقت ها و شاخه های منشعب از آنها، مستلزم پژوهشی مستقل و گسترده است.

برخی از این جریان ها در مقاطع تاریخی خاص، در مسیر اهداف استعمارگران حرکت کرده اند. یکی از جریان های صوفیانه ای که در تاریخ معاصر ایران در همین راستا عمل کرده است، سلسله صوفیه گنابادی است. انشعاب ها و جریان های مختلف این طریقت وارد عرصه سیاسی شده و به شیوه های گوناگون به مخالفت با نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته اند.

جریان سید محمد حسینی، مشهور به «ری استارت»، یکی از جریان های منسوب به این سلسله است که در راستای تقابل سخت با نظام اسلامی ایران، از سوی استعمارگران تجهیز شده است.

واژه شناسی و معرفی

«ری استارت» (به معنای «شروع دوباره») عنوان یکی از برنامه های رسانه اینترنتی «رادیو پستو» بود که به تدریج به عنوان نام گروهکی آنارشیستی تحت فرمان حسینی به کار رفت. حسینی خود را «لیدر ری استارت» معرفی کرد و این گروه را با شعارهایی نظیر «بنی آدم اعضای یکدیگرند» و با الهام از عرفان ایرانی، به ویژه اندیشه های مولوی و شمس تبریزی، معرفی نمود. اهداف اعلام شده این گروه شامل سرنگونی جمهوری اسلامی، احیای «هویت پارسی» با الهام از کوروش کبیر و ایجاد «روز استقلال واقعی» (چهارم جولای پارسی) بود.

وب سایت ری استارت در معرفی حسینی

آرمان‌های وی در این رسانه، چنین می‌نویسد: «سید محمد حسینی، لیدر ری استارت نشان داد که برانگیخته شده تا سرزمین ایران را مجدداً بزرگ گرداند؛ او برای این کار شروع به پخش برنامه های علمی عرفانی و سیاسی کرد تا هویت واپاشیده ایرانیان را احیا کرده و آنان را از ریشه ایی که به آن تعلق دارند آگاه سازد. او اندیشیدن خردورزی خودباوری قدرت اتحاد و یکی بودن را یاد داد تا با خودشناسی و سیر و سلوک درون خود ابتدا خدا و شیطان درون خود را بشناسیم و سپس شیطان بیرون را شناخته و با اندیشه و خرد آن را مهار کرده و بکشیم. وی با شعار "بنی آدم اعضای یک پیکرند" پیام‌آور صلح و عشق برگرفته از صوفیان و عرفای بزرگ جهان است و می خواهد چهارم جولایی دیگر یعنی روز استقلال واقعی در کشور بیافریند.»[1]

شعارها و محتوای اولیه رسانه های این گروهک عمدتاً بر مفاهیمی همچون صلح، عشق و احیای «امپراتوری پارس» متمرکز بود؛ با این حال، این رویکرد به‌تدریج با طرح دیدگاه‌های خشونت‌آمیز و نظریه‌های توطئه همراه شد و هویت اولیه این جریان را تحت‌الشعاع قرار داد. بر اساس برخی برآوردهای رسانه‌ای، جامعه هدف جریان ری استارت عمدتاً جوانانی بودند که از شرایط اقتصادی و سیاسی ایران احساس سرخوردگی می کردند. برنامه‌های این گروه با بهره‌گیری از زبان عامه‌پسند، موسیقی حماسی و ارجاع به نمادهای تاریخی و ملی ایران، از جمله پرچم شیر و خورشید، با هدف جذب این مخاطبان تولید و منتشر می‌شدند.

زندگی‌نامه سید محمد حسینی

سید محمد حسینی در ۱۳ تیر ۱۳۴۸ در خانواده‌ای پرجمعیت با شش برادر و سه خواهر در شهر ری تهران متولد و بزرگ شد. والدین وی گرایشات صوفیانه داشته و پیرو دراویش گنابادی بودند.[2] وی تحصیلات خود را در رشته فیزیک دانشگاه اصفهان ادامه داد و از سال ۱۳۶۸ با فعالیت در تئاترهایی مانند «قنبرعلی دکتر می‌شود» و «مجری ناشی» به عنوان نویسنده و بازیگر مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت. سپس تئاترهای «زیر آسمان شهر» و «ازدواج با خودت» را نیز به صحنه برد.

او سال ۱۳۷۳ وارد صداوسیما شد و از ابتدای راه اندازی شبکه تهران تا سال ۱۳۸۴ به‌عنوان مجری فعالیت کرد. شهرت حسینی با اجرای مسابقه تلویزیونی «مسابقه بزرگ» در ۵۲ قسمت ۹۰ دقیقه ای آغاز شد. از حواشی دوران حضور حسینی در صداوسیما، ارتباط وی با خیریه و صندوق مالی محراب کوثر بود. این خیریه در سال ۱۳۷۸ صندوق قرض‌الحسنه‌ای راه‌اندازی کرد که پس از افشای دستمزد بالای مسئولان آن با اعتراض مواجه شد و موضوع در سال ۱۳۸۲ به دادگاه کشیده شد.[3] حسینی نیز به‌عنوان یکی از اعضای هیئت‌مدیره به دادگاه احضار شد، اما در نهایت تبرئه شد. وی مدعی بود از طریق همکارانش در شبکه تهران با این خیریه آشنا شده و حدود ۳ تا ۵ میلیون تومان در آن سرمایه‌گذاری کرده بود، بدون آنکه از پرداخت حقوق‌های نجومی به مدیران اطلاع داشته باشد.[4]

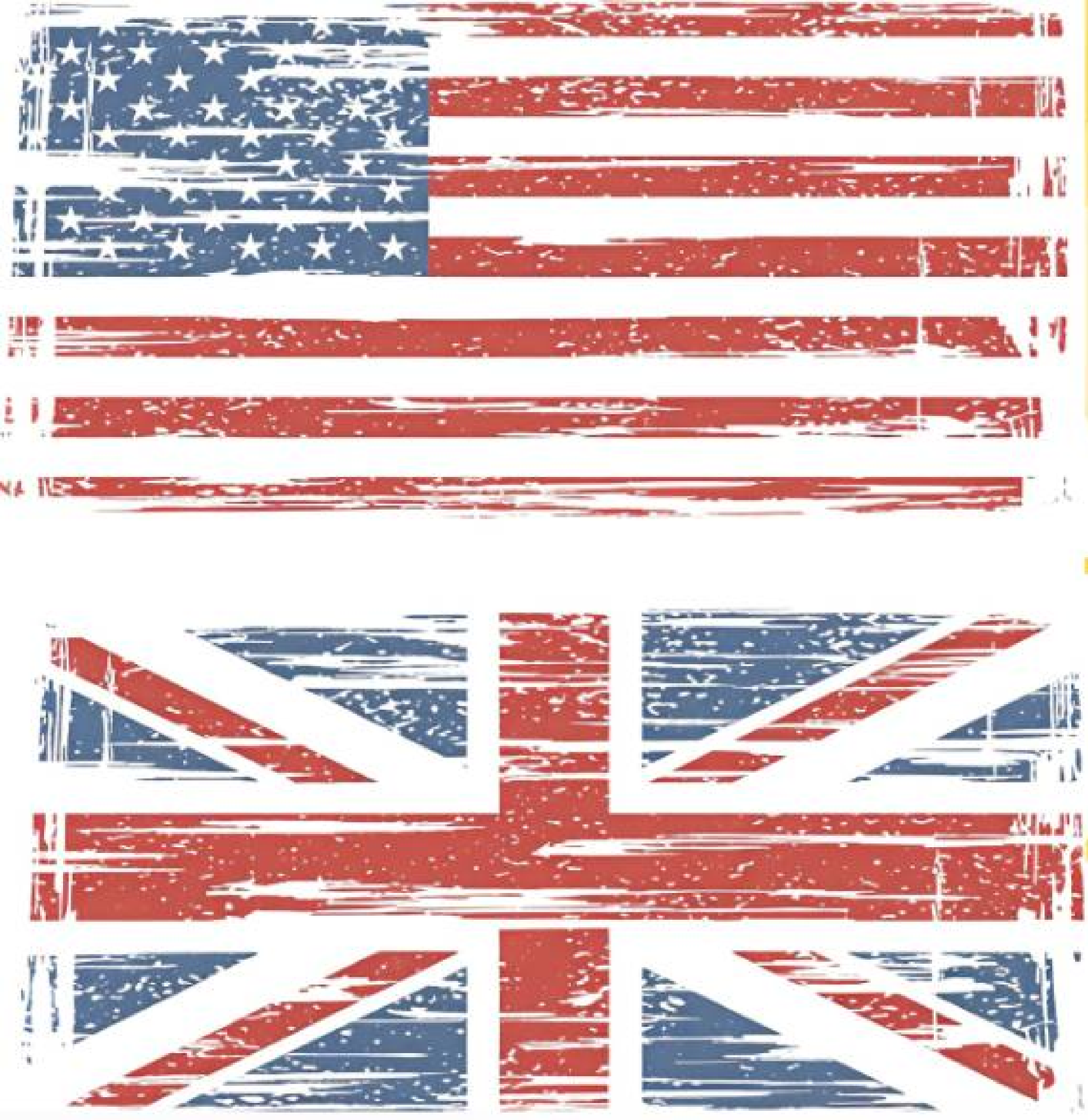
حسینی در سال ۱۳۸۴ از ایران مهاجرت کرد و ابتدا به امارات و سپس به قبرس رفت. اما بعد از آنکه دولت قبرس اقامت وی را تمدید نکرد و از او خواست این کشور را ترک کند، برای دریافت اقامت آمریکا اقدام کرد. فرایند صدور ویزای او حدود هفت ماه طول کشید و پس از دریافت آن، ابتدا به انگلستان، سپس به آمریکا رفت.

۱. https://voiceofrestart.com/persian/biography-restart-leader-seyed-mohammadhosseini-

۲. مصاحبه سید محمد حسینی با مجله سروش ۱۴۰۲/۱۲/۱۳

۳. https://images.hamshahrionline.ir/hamnews/irshahr/havadsh.htm/۸۲۰۹۱۹/۱۳۸۲

۴. مصاحبه حسینی با شهرام همایون در چنل وان https://www.youtube.com/watch?v=oRBh7coHWqI





اجمعی از کارشناسان مرکز فام ا

شکل گیری و تطورات ری استارت

حسینی تا پیش از سفر به آمریکا، سابقه قابل توجهی در فعالیت‌های سیاسی نداشت. اظهارات صریح سیاسی وی از زمان ورود به آمریکا و پس از فتنه ۸۸ آغاز شد. وی در ۲۸ دی ماه ۱۳۸۹، در مصاحبه با برنامه «پارازیت» شبکه صدای آمریکا، با پیراهنی سبز رنگ حضور یافت و به حمایت از فتنه گران ایرانی، موسوم به جنبش سبز پرداخت.

ریشه کنشگری‌های سیاسی و رسانه‌ای حسینی در آمریکا را می‌توان در ماه‌های نخست حضور وی در این کشور جست‌وجو کرد. حسینی در روزهای ابتدایی ورود به آمریکا به واشنگتن سفر کرد و به مدت هشت ماه در منزل امیرعباس فخرآور[1]، فعال اپوزیسیون و مرتبط با کانون‌های سیاسی ـ امنیتی دولت آمریکا، اقامت داشت.

روابط حسینی، به‌عنوان چهره‌ای رسانه‌ای و فعال در صداوسیما، با فخرآور را می‌توان سرآغاز ارتباط وی با پروژه‌های سازمان‌یافته دولت آمریکا در راستای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی قلمداد کرد. وی به دعوت فخرآور، در خرداد ماه ۱۳۹۰، به عنوان یکی از مهمانان و سخنرانان دومین «کنفرانس گذار دموکراتیک ایران» در دانشگاه جورج واشنگتن آمریکا حضور یافت. این کنفرانس با هدف هماهنگی فشار رسانه‌ای بر جمهوری اسلامی در دوران پس از فتنه ۸۸ تشکیل شده بود.

حسینی پس از اقامت هشت ماهه در منزل فخرآور در واشنگتن و سامان دهی امور پناهندگی خود و خانواده‌اش توسط وی، به لس آنجلس رفت و در آنجا اقامت گزید. پس از آن، همکاری وی با برخی شبکه‌های فارسی زبان، از جمله «مرسی تی وی»، «پارس» و... آغاز شد.

حسینی در بهمن ماه ۱۳۹۴ رسانه «رادیو پستو» را تأسیس کرد و جریان «ری استارت» را به‌طور رسمی آغاز کرد. شبکه‌های تلویزیونی فارسی زبان، از جمله «پارس» و «NITV» که از دیگر مدعوین کنفرانس مذکور بودند، در برنامه‌های

۱. امیرعباس فخرآور، از حامیان اصلی ترامپ که شاید بتوان حمایت‌های حسینی و گروهک ری‌استارت؛ از ترامپ را ناشی از این روابط به حساب آورد.



طنز سیاسی خود از حسینی استفاده می‌کنند. روابط حسینی با فخرآور و ارتباط وی از این طریق با کانون‌های سیاسی آمریکا، موجب شد تا در گزارش مورخ ۸ فوریه ۲۰۱۸ کنگره آمریکا، درباره جمع‌بندی جبهه‌های معارض با جمهوری اسلامی، نام گروهک ری‌استارت در کنار رسانه‌هایی مانند «آمدنیوز»، به‌عنوان یکی از گروه‌های چالش‌آفرین برای نظام در اغتشاشات سال ۱۳۹۶ ذکر شود.[1]

ایدئولوژی گروه ری‌استارت

ایدئولوژی گروه ری‌استارت تحت رهبری سید محمد حسینی ترکیبی از ناسیونالیسم پارسی، عرفان ایرانی، ضدیت با جمهوری اسلامی و الهام گیری از جنبش‌های راست‌گرای غربی مانند MAGA و کیوانان است که فاقد چارچوب نظری منسجم بوده و بیشتر بر شعارهای احساسی و فراخوان‌های عملی متکی است. محورهای اصلی این ایدئولوژی عبارت‌انداز:

ناسیونالیسم پارسی

حسینی خود را کوروش ثانی و رهبر طلوع امپراتوری «پارس» می‌خواند و خواستار احیای هویت پارسی با الهام از کوروش کبیر و امپراتوری هخامنشی است. این ناسیونالیسم بر برتری فرهنگ پارسی و رد هویت اسلامی به‌ویژه شیعه تأکید دارد و از نمادهایی مانند پرچم شیر و خورشید و منشور کوروش استفاده می‌کند. این رویکرد با نفرت‌پراکنی علیه اقلیت‌های دینی مانند زرتشتیان به تفرقه در جامعه ایرانی دامن زده است.

ضدیت با جمهوری اسلامی

حسینی، مسئولین جمهوری اسلامی را شیطان پرست و بخشی از یک توطئه جهانی می‌دانست و آن را علت تمام مشکلات ایران معرفی می‌کند. او با ترویج تئوری‌های توطئه، اقلیت‌های دینی در ایران و قدرت‌های خارجی مانند هالیوود را همدست جمهوری اسلامی می‌خواند.

الهام از جنبش‌های راست‌گرای غربی

حسینی مؤسس ری‌استارت، از سال ۲۰۲۴ با هشتگ MIGA (Make Iran Great Again) و ادعای «ترامپ ناجی پرشیا» خود را به جنبش MAGA و کیوانان متصل کرده است. او مدعی است که دوباره ایران را به عظمت می‌رسانیم.

۱. عنوان کامل این گزارش «ایران: سیاست، حقوق بشر و سیاست آمریکا»
Iran: Politics, Human Rights, and U.S. Policy



چالش‌های اجتماعی و تحریک عمومی

حسینی برای جذب جوانان به جریان «ری استارت»، آنان را به انجام چالش‌ها و فعالیت های مختلف دعوت کرد. این چالش‌ها با هدف جلب توجه جوانان، ایجاد انگیزه برای مشارکت و ترغیب آنان به پیوستن به این جریان مطرح شده‌اند. در ادامه، برخی از مهم‌ترین چالش هایی که حسینی مطرح کرده، به همراه حواشی وواکنش های مرتبط با آن‌ها بررسی می‌شود.

چالش ایرانی هستی یا پارسی؟

چالش «ایرانی هستی یا پارسی؟» یکی از کمپین‌های فرهنگی و هویتی گروه ری استارت که از اوایل سال ۱۴۰۴ (۲۰۲۵ میلادی در پلتفرم هایی مانند ایکس، اینستاگرام و تلگرام) با هدف بازسازی هویت ملی بر پایه ناسیونالیسم پارسی طراحی شد و شرکت کنندگان دعوت می شدند تا با فیلم برداری از خود یا دیگران به سؤال «آیا ایرانی هستی یا پارسی؟» پاسخ دهند و تأکید کنند که «من ایرانی نیستم، من پارسی هستم». حسینی این چالش را بخشی از پروژه طلوع امپراتوری کوروش می‌داند که بر احیای نام باستانی «پارس» به جای «ایران» که به ادعای او توسط انگلیس و قدرت‌های جهانی تحمیل شده تمرکز دارد. ویدئوهای چالش اغلب با شعارهایی مانند «ایران به شکوه و عظمتش برمی‌گردد و به پارس تبدیل می‌شود» همراه است و از نمادهایی مانند پرچم شیر و خورشید و ارجاع به کوروش کبیر استفاده می‌کند. در مجموع، چالش «ایرانی هستی یا پارسی؟» نمادی از ایدئولوژی افراطی ری استارت است که هویت را به ابزاری برای بسیج دیجیتالی تبدیل کرده، اما خطر خشونت این جریان را بیشتر به همراه دارد.

چالش‌های اصلی ری استارت

حسینی برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران، برای هواداران خویش چالش‌هایی را مشخص کرده که چالش‌های اصلی ری استارت شامل موارد زیر بود:

چالش سنگ: پرتاب سنگ به شیشه‌های اماکن عمومی مانند بانک‌ها، اتوبوس‌ها، مساجد و مدارس همراه با فیلم برداری و انتشار در شبکه‌های اجتماعی.



چالش آتش: آتش زدن درب مساجد، حسینیه‌ها و نمادهای حکومتی مانند آتش سوزی مسجد جوادالائمه تهران در مهر ۱۳۹۶.

چالش رنگ: رنگ پاشی روی دیوارهای دولتی یا نماد های مذهبی.

چالش فحش: فحاشی هدفمند به صفحات مجازی مقامات یا نهادهای حکومتی.

چالش آمپاس: حمله به تابلوهای دولتی و حاکمیتی که حسینی آن ها را نمادهای نادانی معرفی می کند.

چالش مولوی: از ۲۰۲٤ ترکیب اشعار عرفانی با اقدامات تخریبی مانند دعوت به سنگ پرانی به مساجد با خواندن شعر مولوی.

این چالش‌ها با پیام‌های ویدئویی یا صوتی حسینی همراه با موسیقی حماسی و ارجاع به نمادهای پارسی مانند کوروش کبیر منتشر می شدند و از هواداران خواسته می شد ویدئوها را با هشتگ هایی مانند: #ری_استارت و #طلوع_امپراتوری به اشتراک بگذارند که این چالش‌ها نشان‌دهنده روحیه خشن این جریان‌ها می‌باشند.



نقد کلی جریان ری استارت

کنش گروه ری‌استارت نسبت به جنگ تحمیلی:

۱) اعلام آماده‌باش گروهک ری‌استارت برای خرابکاری در شرایط جنگی کشور

رصد رسانه‌های رسمی گروهک آنارشیک و رادیکال «ری‌استارت» مانند «پستو نیوز» و صفحات غیررسمی نظیر «دانی که چرا»، «یار دلی» و «رحیمی۱۲۱۹۴»، خبر از صدور دستور آماده‌باش «سید محمد حسینی» لیدر این گروهک، به سرتیم‌های داخلی این فرقه موسوم به «وندتاها» داد.

این دستور حسینی، همزمان با بازنشر توئیت عجولانه «دونالد ترامپ» در همراهی با جنگ روانی رژیم صهیونیستی که در ساعات اولیه بامداد ۲۷ خرداد به مردم تهران مبنی بر «هشدار تخلیه پایتخت»، توسط لیدر این فرقه صادر شده است.

۲) اعلام حمایت مطلق از رژیم صهیونیستی:

در پی تجاوز ۱۲ روزه رژیم جعلی صهیونیستی به خاک ایران، که منجر به شهادت ۱۱۰۰ نفر و مجروح شدن بیش از ۵۸۰۰ نفر از جمله فرماندهان ارشد نظامی، دانشمندان هسته ای و شهادت شهروندان عادی در نتیجه بمباران اماکن عمومی و مراکز حیاتی شد، انتظار می‌رفت هر فردی موضعی ملی اتخاذ کند.

اما حسینی، لیدر گروهک ری‌استارت، در یکم تیرماه ۱۴۰۴ و در اوج جنگ، در کمال وقاحت و بی‌شرمی، در یک برنامه‌ای ویدئویی، خود را حامی مطلق رژیم صهیونیستی و یهودیان معرفی کرد. این موضع گیری نه تنها نشان دهنده خیانت آشکار این شخص به مردم و میهن خود است، بلکه آشکار می‌سازد که او رسماً در زمین دشمنان اصلی ایران بازی می کند.

او در این برنامه، به‌طور علنی به یهودیان و اسرائیلی‌ها وعده می‌دهد که از ایرانیان «انتقام سخت خواهد گرفت». این لحن خصمانه در اوج تهاجم دشمن، تأییدی است بر رادیکالیسم و ماهیت ضدایرانی این گروهک، که هدف خود را همکاری با دشمن متخاصم و ضربه زدن به وحدت و امنیت ملی قرار داده است.

عدم تحقق وعده تغییر نظام ایران

شش سال بود که سید محمد حسینی، لیدر متوهم گروهک رادیکال ری‌استارت، در ده‌ها برنامه تصویری، صوتی و نوشتاری، یک وعده

را با لحن قطعی، جزمی و تحکمی تکرار کرد: «در تاریخ ۲۵ دسامبر ۲۰۲۵ نظام حاکم بر ایران توسط او تغییر خواهد کرد.» در کنار این ادعا، وی بارها تأکید کرده بود که اگر این وعده در تاریخ اعلام‌شده محقق نشود، شخصاً برنامه ری‌استارت را پایان خواهد داد، فعالیت‌های آن را متوقف می‌کند و «دکمه خاموش ری‌استارت را خواهد زد». این جمله در چند برنامه با عباراتی مشابه تکرار شد و به عنوان ضمانت تحقق وعده، در ذهن مخاطبان تثبیت گردید.

این وعده نه به‌عنوان احتمال، تحلیل یا برآورد، بلکه به‌عنوان «پیشگویی قطعی و حتمی» مطرح شد. او این ادعا را با تکیه بر تفسیر خودسرانه و تحریف‌شده چند بیت از اشعار شاه‌نعمت‌الله‌ولی، در ذهن هوادارانش قداست بخشی کرد؛ انگار که یک خبر مقدس یا امر آسمانی است، نه یک گزاره قابل سنجش. اما روز موعد رسید و حقیقت روشن شد: هیچ خبری نشد. نه اتفاق امنیتی، نه رویداد سیاسی، نه تغییر ساختاری. فقط یک وعده پوچ دیگر که روی زمین ماند. نقطه شکست؛ جایی که افسانه فرو می‌ریزد.

اکنون پس از شش سال، مهم‌ترین ستون بقای این فرد و افسانه او فروریخته است: اگر ۲۵ دسامبر قرار بود "روز موعود" باشد، چرا نشد؟ اگر اشعار شاه نعمت‌الله ولی «خبر قطعی» می‌دادند، چرا واقعیت؛ تکذیبش کرد؟ اگر «علم غیب» ادعا می شد، چگونه یک تاریخ ساده پیش‌بینی نشد؟

پاسخ تنها یک کلمه است: رویافروشی. بلکه از جنس سوءاستفاده از امید، ایمان، رنج و بی پناهی مخاطب.

پایان؛ درس عبرت برای هواداران، نظام تغییر نکرد، حسینی دکمه خاموش ری‌استارت را نزد؛ ولی ماسک یک ادعای کاذب فرو افتاد. طرفداران ری‌استارتی، باید نگاهی به سرنوشت ابونوح غنایی بیندازند؛ همان‌طور که پس از عدم تحقق وعده ۲۵ دسامبر، هوادارانش علیه او برخاستند، اکنون هواداران ری‌استارت باید حقیقت را بپذیرند: ادامه این مسیر جز فریب، تحقیر و شکست هیچ نتیجه‌ای نخواهد داشت. این آخرین فرصت شما برای چشم گشودن به واقعیت است.

پناه بردن به پیشگویی های جعلی

پس از ناکامی گروهک رادیکال «ری‌استارت» در تحقق ادعاهای میدانی و عملیاتی، صفحات وابسته به این جریان به بازتولید پیشگویی های جعلی و خواب و رویاهای مجازی روی آورده‌اند؛ تغییری معنادار که بیش از هر چیز، نشانه‌ای روشن از استیصال رسانه‌ای و فروپاشی وعده های پرطمطراق لیدر این گروهک است.

این تاکتیک نخ‌نما، نه‌تنها قادر به جبران وعده های محقق‌نشده نیست، بلکه پرده از ماهیت فریب‌کارانه لیدری شیاد برمی‌دارد که با گنده گویی و ادعاهای بی‌پشتوانه، برای مدتی بخشی از هواداران ساده‌لوح خود را سرگرم کرده بود؛ مسیری که اکنون به‌روشنی به بن‌بست رسیده و آوار این وعده‌ها دامن او و هوادارانش را گرفته است.

شکاف های عمیق در گفتار و رفتار حسینی

سخنان حسینی در برنامه «نسل H » پرده از تناقض‌های آشکار میان گفتار و رفتار او برمی دارد و نشان می‌دهد چگونه این تضادها را به ابزار فریب، کنترل روانی و آماده‌سازی پیروان گروهک ری‌استارت برای اقدامات خشونت‌آمیز تبدیل کرده است.

این تناقض‌ها تنها لغزش‌های کلامی نیستند؛ بلکه نشانه‌ای از آشفتگی و اضطراب فکری، بی ثباتی گفتاری و الگوهای خطرناک لیدر فرقه‌ای است که سال‌ها در اعضای گروهک رادیکال ری استارت بازتولید شده است. آنچه در ادامه می آید، بازخوانی تحلیلی و مستند این تعارض هاست.

تناقض بنیادین در موضوع فحاشی

حسینی در بخش پایانی برنامه نسل H مدعی می‌شود که «عادی‌سازی فحش» یک طرح هدفمند جهانی از سوی گلوبالیست‌ها برای آسیب‌زدن به جامعه است و می‌گوید: «فحش الان توی کشور عادی شد؛ چرا عادی شد؟ چون یه عده‌ای با برنامه آن را فرهنگ سازی می‌کنند!»[1]

با این حال، در همان برنامه بیش از صد مورد فحاشی رکیک و تهمت و نسبت ناروا از زبان خود او شنیده می‌شود. این تضاد آشکار نشان می‌دهد که او نه از خشونت کلامی گریزان است و نه نگران پیامدهای آن؛ بلکه فحاشی را به‌عنوان ابزاری برای تحریک، ایجاد تنش و کنترل هیجانی مخاطبان خود به‌کار می‌گیرد. رفتاری که مبتنی بر همان الگوی ثابت اوست: نفی یک پدیده در گفتار و ترویج افراطی آن در عمل. در حالی که فحاشی را «توطئه دشمن» می‌نامد، در پروتکل‌های گروهک خود چنین می‌نویسد: «در امپراتوری کوروش روز چالش فحش داریم... مردم حق دارند فحش دهند و هیچ سیاستمداری نباید ناراحت شود.»[2]

با وجود آنکه صوفیه در آموزه‌ها و ادعاهای خود بر اخلاق، معنویت و تهذیب نفس تأکید دارند، رفتار و گفتار حسینی با این اصول همخوانی نداشته است. به‌کارگیری الفاظ توهین‌آمیز و فحاشی در سخنان او، به ویژه با توجه به جایگاه اخلاقی‌ای که برای تصوف قائل بوده، نوعی تناقض میان ادعا و عمل را آشکار می‌سازد. چنین رفتاری این پرسش را مطرح می‌کند که تا چه اندازه پایبندی او به ارزش‌های اخلاقی تصوف واقعی و عمیق بوده است. از این منظر، می‌توان استدلال کرد که حسینی بیش از آنکه تصوف را به‌عنوان یک مسیر اصیل برای تعالی اخلاقی و معنوی دنبال کند، از آن به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف و مواضع خود بهره برده است.

تناقض در شوخی‌های رفتاری دم‌دستی؛ از محکومیت تا باز تولید

او در برنامه مذکور[3] شوخی‌های سطحی و دم دستی را «ایده‌ای نگران کننده» و بخشی از «پروژه انحراف فرهنگی» معرفی می‌کند. با این حال، شخصیت رسانه‌ای خودش بر پایه همین نوع شوخی‌های مبتذل، حرکات نمایشی، جلف‌بازی افراطی و کنش‌مندی‌های مضحک، شکل گرفته است. این تعارض نشان می‌دهد آنچه او محکوم می‌کند، در عمل بخشی از ابزارهای تثبیت شخصیت نمایشی خودش است. این تناقض نشان می‌دهد او نه تنها مخالف فحاشی نیست، بلکه به رسمی‌سازی و اداری کردن آن نیز اعتقاد دارد.

تناقض در ادعای نگرانی اخلاقی

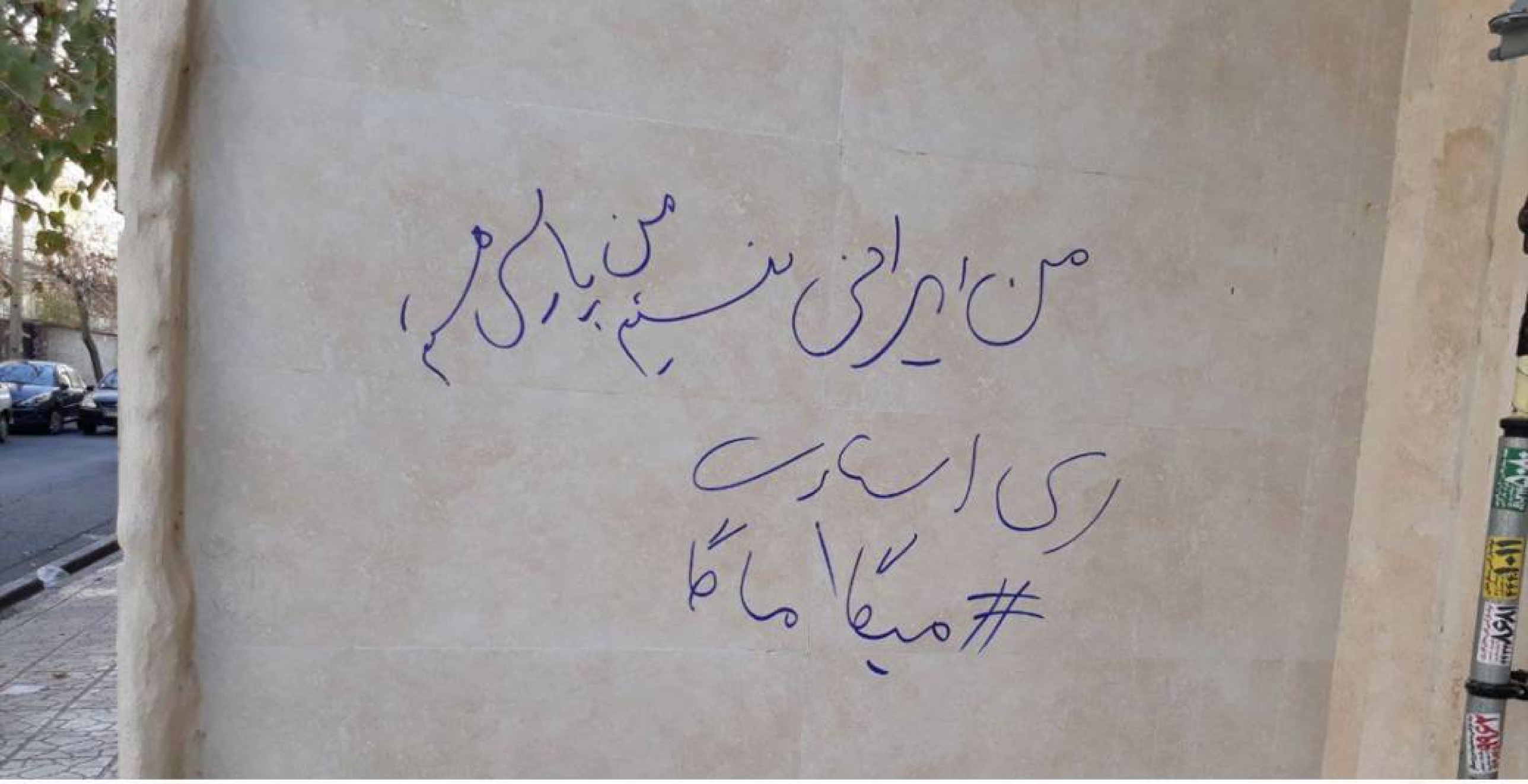
حسینی از «بی‌بندوباری» و «هرزه‌گی» جوانان انتقاد می‌کند و آن را یک توطئه فرهنگی معرفی می‌کند، اما در همان برنامه از حضور خود در دیسکو، کازینو، قمارخانه و مصرف مشروبات الکلی و عرق‌سگی سخن می‌گوید. او ادعا می‌کند وقتی عده‌ای با او تماس می‌گیرند و به او پیشنهاد قطبیّت دراویش را دادند! در جواب گفته است: «آخه صوفیِ بزرگ عرق‌سگی و تکیلای مکزیکی سفارش می‌دهد؟ صوفیِ بزرگ وسط قمارخانه چه‌کار می‌کند؟! من الان وسط قمارخانه هستم!»[4] این اعتراف نه تنها شکاف میان ادعا و رفتار را آشکار می‌کند، بلکه نشان می‌دهد آنچه او فساد و انحراف می‌نامد، بخشی از سبک زندگی و تجربه شخصی خودش بوده است.

۱.صفحات رسمی حسینی، «ویژه‌برنامه نسل H»، تاریخ ۲۹ آبان ،۱۴۰۴.

۲.حسینی برای امپراتوری خیالی خود (گروهک رادیکال ری‌استارت) پروتکل‌هایی جعلی با عنوان «قوانین امپراتوری کوروش» تدوین کرده و مدعی است این پروتکل‌ها مبنای اداره هواداران قرار می‌گیرد.

۳.صفحات رسمی حسینی، «ویژه‌برنامه نسل H»، تاریخ ۲۹ آبان ،۱۴۰۴.

۴. همان



تربیت مریدان و سربازانی بی‌فکر

حسینی در ضمن سخنانی، آنچه را که برای پیروان خود تجویز می‌کند آن است که همچون سربازانی بی‌فکر اوامر او را انجام بدهند: «من «مأمورها و معذورهای» بزرگی را در امپراتوری پارس تولید خواهم کرد. می‌گویم چرا این سپاهی را آویزان کردی؟ می‌گوید: مأمورم و معذور! چرا این سپاهی را کشتی؟ می‌گوید: مأمورم و معذور! همین حرفی که گارد ویژه دارد می‌زند. می‌گویم چرا داری «شاخه نظامی» را فعال می‌کنی؟ می‌گوید: مأمورم و معذور، ای سرور من ای کینگ محمد!»
این جملات نشان می‌دهد او همان سازوکاری را که به دیگران نسبت می‌دهد و در ظاهر محکوم می‌کند، با شدت بیشتری درون فرقه خود بازسازی کرده است.[1]

تناقض خطرناک در آزادی اسلحه و کنش های خشونت آمیز

او در پروتکل های گروهک خود، آزادی اسلحه و حمل سلاح را راهی برای جلوگیری از دیکتاتوری معرفی می‌کند، اما در عمل:
یک گروهک رادیکال غیرقانونی و زیرزمینی تشکیل داده، زبان خشونت و تهدید به کار می برد، و بر فعالیت شاخه نظامی تأکید می‌کند.
این رفتارها آشکار می‌سازد که آزادی اسلحه برای او ابزاری جهت تقویت ساختار شبه‌نظامی و قانون‌گریزی و مجوز برای اقدامات تروریستی پیروان خود است، نه ابزاری برای آزادی مردم.

۱. ویژه برنامه پاشنه آشیل، منتشرشده در ۷ آبان ۱۴۰۴.



جمع‌بندی

مرور گفته‌ها، اعترافات و پروتکل‌های حسینی نشان می‌دهد که تناقض در گفتار و رفتار او یک اتفاق زبانی یا لغزش مقطعی نیست، بلکه بخشی از چارچوب ذهنی این فرد بیمار و روان‌پریش و شیوه سلطه او بر مخاطبانش است. این سبک بر سه محور پایدار بنا شده‌است:

الف: نفی یک رفتار در سطح شعار

ب: ترویج همان رفتار در عمل

ج: استفاده ابزاری از تناقض برای جذب، سردرگم‌سازی و کنترل مخاطبان

این الگو در حوزه‌های مختلف از فحاشی تا اخلاق، از خشونت تا مصرف مشروبات الکلی و از ساخت قدرت تا آزادی فردی، ملغمه‌ای است که به‌وضوح دیده می شود.

مجموع این رفتارها تصویری روشن از فردی با الگوهای رفتاری آشفته و رادیکال ارائه می دهد که با بهره‌گیری از روش‌های شناخته‌شده فرقه‌ای، تلاش می‌کند نقش سرکرده را در میان گروهی از جوانان فریب‌خورده و ناآگاه ایفا کند. شناخت این تضادها و روشنگری درباره آن‌ها لازمه پیشگیری از فریب خوردن مخاطبانی است که ممکن است تحت تأثیر ادعاهای متناقض، التقاطی و رفتارهای تحریک‌آمیز او قرار گیرند.